

نمبرهای قرآنی (۵)

ویژه ماه مبارک رمضان

ارویشت ۹۹

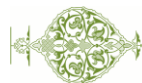
معاونت فرهنگی - تبلیغی

مرکز مدیریت حوزه های علمیة خاوران





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جلسه پنجم: نقش معاد باوری در پیشگیری از جرم

مسأله شرعی :

لباس نمازگزار چند شرط دارد: پاک باشد (نجس نباشد)؛ مباح باشد؛ از اجزای مردار نباشد (حتی کمر بند و کلاه)؛ از حیوان حرام گوشت نباشد (به عنوان مثال از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد)؛ اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلا یا ابریشم خالص نباشد و زینت طلا (حتی انگشتر طلا) نباشد^۱. اما استفاده از طلا علاوه بر این برای زن اشکالی ندارد، در علم پزشکی ثابت شده که مفید هم هست. اگرچه در نماز طلا استفاده کند.

مقدمه

تکرار یک موضوع از سوی یک شخص یا یک نفر، نشانگر اهمیت آن موضوع است؛ یا برای گوینده، یا برای شنونده و یا برای هردو. یکی از پرتکرارترین موضوعاتی که در قرآن کریم به آن اشاره شده، موضوع معاد است. حدوداً یک سوم آیات قرآن مستقیماً به معاد اشاره می‌کند یا غیر مستقیم.

سؤالی که اینجا باید از خود پرسیم این است که آیا هدف از بازگو کردن موضوع معاد ترس از مرگ است؟ ترس از عذاب خداست؟ امیدوار شدن به آینده است؟ اصلاً چرا وقتی که خداوند خودش را «رحمان» معرفی کرده است، و رحمتش بر قضیبش سبقت گرفته، تا این اندازه از معاد سخن گفته و در بسیاری از آیات از کیفیت عذاب و کیفر اعمال را تشریح کرده است؟ چه لزومی دارد که یک سوم آیات قرآن به معاد و آخرت اشاره کند؟

سه دیدگاه درباره معاد

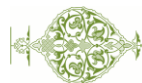
پاسخ مختلفی به این سؤالات داده شده، چون نگرش‌ها مختلف است. اما سه نوع دیدگاه کلی درباره این موضوع هست:

دیدگاه اول: منکران معاد

۱. برخی در برابر این پاسخ‌ها صورت مسأله را پاک می‌کنند؛ می‌گویند معادی در کار نیست و بهشت و جهنم در همین دنیاست. دنیایت را بساز، خوش باش و «در لحظه زندگی کن»^۲! نقد را بچسب! قیامت را چه کسی دیده که من غصه آن را بخورم؟!

کسی که این طور فکر کند، می‌تواند به خیلی چیزها برسد؛ خانه، ماشین، ویلا، برج، مدرن‌ترین زندگی، باکلاس‌ترین لباس‌ها و ... ظاهراً هیچ مانعی هم بر سر راهش نیست.

اما اشکالش اینجاست که هیچ دین توحیدی قبولش ندارد. اگر کسی واقعاً چنین اعتقادی داشته باشد، نه مسلمان است، نه مسیحی، نه یهودی، چون این حرف یا در کفر ریشه دارد یا در شرک. کسی که به خدا اعتقاد دارد نمی‌تواند به معاد بی‌اعتقاد باشد. بماند که حتی مادی‌گراها و منکران آخرت، کلک مجرم را در همین دنیا می‌کنند و هر کسی نمی‌تواند هرچه می‌خواهد، انجام دهد.



دیدگاه دوم: محرّفان معاد

دسته دوم صورت مسأله معاد را پاک نمی‌کنند، اما معتقدند آخرت آن طور قرآن می‌گوید نیست؛ مهربان‌تر از این حرف‌هاست که کسی را تنبیه کند یا با آتش بسوزاند! خدایی که خشن باشد و انسان را به سزای اعمالش برساند، خدای داعشی‌هاست و ...

این دیدگاه خیلی زیباست. تصویری مثبت از خدا ارائه می‌دهد تا هر کسی را به خود جلب کند؛ حتی می‌تواند فرعون را هم ببخشد؛ عقل را ملاک فهم هر چیز می‌داند و هر چه در اندیشه نگنجد را خرافات می‌داند؛ حتی امام معصوم (ع) را بانی شراب می‌گسار می‌کند.^۳

اما این دیدگاه یک اشکال بزرگ دارد؛ اینکه به جای توصیف و توضیح معاد، خدا را توصیف می‌کند؛ در حالی که انسان باید بداند که خدا مرگ و معاد را چگونه ترسیم کرده. این دیدگاه عدالت خدا را با رحمانیت خدا انکار می‌کند؛ چشم رو کور می‌کند که ابرو را درست کند! این دیدگاه مثل این است که می‌گویند اگر می‌خواهی یک چیز را خیلی اساسی و خوب خراب کنی، از آن بد دفاع کن؛ ناقص و کج و کوله.

این دیدگاه به‌ناچار قرآن را تحریف شده می‌داند و حتی خدا را ناقص به مردم معرفی کند. این یعنی دینداری کفرآمیز! ایمان مشرکانه! چرا مجبور است قرآن را ناقص بداند؟ چون دستش از توصیف زندگی پس از مرگ خالی است؛ از طرفی نمی‌داند قیامت چیست و چگونه خواهد بود، از طرف دیگر اعتقادش با قرآن سازگار نیست، پس قرآن تحریف شده، چون با عقلش سازگار نیست! نتیجه این دیدگاه این می‌شود که هر جا دلت خواست می‌توانی هر قطعه‌ای پازل دین را که خوشت نیامد برداری و مثل سؤالات امتحانی جاهای خالی را با گزینه‌های دلخواهت پر کنی! چون عقل تو حرف اول و آخر را می‌زند. این دیدگاه به اندازه‌ای خطرناک است که هر کسی را صاحب حق و بی‌نیاز پاسخگویی می‌کند، چرا که همه غیر از خدا حق دارند طلبکار باشند و خدا را توبیخ کنند.

سؤال: آیا سرپیچی شیطان از امر خدا، غیر از عمل به حرف عقلش بود؟

دیدگاه سوم: مؤمنان به معاد

داستان عبرت‌انگیز أصحاب الجنّة

دیدگاه سوم را با یک داستانی قرآنی مطرح می‌کنیم:

سه برادر باغ پر محصولی را از پدرشان به ارث بردند. وقتی فصل درو محصول باغ رسید، صبح اول وقت بیدار شدند و همدیگر را صدا زدند که زودتر برویم پولها را پارو کنیم تا سروکله فقرا پیدا نشده! اما چشمشان به باغ که افتاد دیدند ای دل غافل! همه چیز آتش گرفته و زغال شده! با خود گفتند که شاید راه را اشتباه آمديم، اما نه خیر! راه دنیا را درست آمده بودند، آنچه درست نرفتند، راه آخرت بود. حواسشان نبود که «اگر تبغ عالم بجنب ز جای، نبرد رگی تا نخواهد خدای!»^۴. خبر نداشتند وقتی همه خواب بودند صاعقه همه چیز را آتش زده بود!^۵

^۳ مطرح شده در سخنرانی آقای سید حسین آقامیری.

^۴ فردوسی.

^۵ قابلیت آگهی سیاسی با ماجرایی طبعی دارد.



گرچه آن سه برادر توبه کردند، اما قرآن با استفهامی انکاری می‌گوید: «أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ؟» آیا [تصور می‌کنید] فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد؟». این طور نیست که ظلم ظالم و جرم مجرم بی‌پاسخ بماند؛ ای کاش این پاسخ در دنیا باشد، چون: «لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»؛ عذاب آخرت، قطعاً بزرگتر است». ای کاش اگر کسی ظلمی و گناه کرد، باغ دنیایی‌اش بسوزد! نه اعمال خیرش، نه باقیات‌الصالحاتش، نه پرونده خوبی‌هاش، نه کارنامه درخشانش!

عدل الهی، مبنای دیدگاه سوم

یکی از تفاوت‌های اساسی مؤمنان با منکران و محرّفان، «خداشناسی» آنهاست. منکران قیامت چاره‌ای جز انکار خدا ندارند، چنانکه محرّفان آن نیز چاه جز تحریف خدا و پرستش خدایی موهوم ندارند؛ پرستش خدایی که به خوبی و بدی و ظلم و عدل مردم کاری ندارد و فقط گناه ببخشد. در حالی که آیات قرآن تصریح به عدل الهی می‌کند.^۶ در حقیقت اینان توحید را قبول دارند، اما به تنهایی و جداگانه. ایضاً معاد را. اما مؤمنان، همه اصول اعتقادی و فروع عملی را در چارچوب توحید می‌بینند و اعمال خود را با ترازوی عدل الهی می‌سنجند.

معاد، هدفمند کننده زندگی

دیدگاه سوم با مبنا قرار دادن آیات قرآن بر این باور است که تأکید خداوند بر مسأله معاد صرفاً به خاطر ترساندن یا اشتیاق ایجاد کردن نیست. البته خداوند «رب» است و وعده‌ها و وعیدهایش برای تربیت انسان است، نه از سر ضعف یا استشفای دل! اما معادباوری و تأکید خدا بر قیامت از جنبه توحید ربوبی هدفی بالاتر دارد. معادباوری سعادت انسان را رقم می‌زند، زیرا سبب تغییر و اصلاح رفتار او می‌شود^۷ و انگیزه ادامه حیات را در او تقویت می‌کند؛ معادباوری از جنبه فردی ترس از نیستی را از بین می‌برد و نقطه مقابل عقاید پوچ‌گرایانه^{۸-۱۱} است، از جنبه اجتماعی نیز سلامت و بازدارنگی اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. زیرا انسان معاد باور در پای ساختن آخرت است، پس دلیلی ندارد سعادتش را به اعمال ناشایست و شهوات^{۱۲} گوناگون بفروشد.

برای معادباوران، زندگی هدف دارد و بی‌نتیجه نیست. نتیجه نیز از پیش تعیین شده نیست. برد و باخت به دست خود اوست. پس در این مسابقه از دیگران سبقت می‌گیرد^{۱۳}. برای معادباوران، قیامت یعنی وزن‌کشی اعمال انسان. روز قیامت برای وزن‌کشی اعمال آدمی از ترازو استفاده می‌شود. قرآن می‌گوید: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ»؛ و ترازوهای عدالت را روز قیامت می‌نهیم و به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود؛ و اگر [عمل خوب یا بد] هم‌وزن دانه خردلی باشد آن را برای وزن کردن می‌آوریم، و کافی است که ما حسابگر باشیم».

در این وزن‌کشی، کمتر از ذره نیز اندازه‌گیری می‌شود: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای

۶. قلم، ۳۵.

۷. قلم، ۳۳.

۸. رک: آل عمران، ۱۸؛ الرحمن، ۷.

۹. الکافی، ج ۸، ص ۵۸؛ نهج البلاغه، خطبه ۴۲.

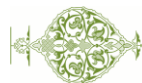
۱۰. تفسیر...

۱۱. مؤمن، ۱۱۵.

۱۲. غافر، ۳۹؛ ص: ۲۶؛ مطفین، ۴۱؛ ماعون، ۳-۱؛ کهف، ۷۰.

۱۳. رک: بقره، ۲۸؛ مائد، ۴۸.

۱۴. انبیا، ۲۷.



نیکی کند، آن نیکی را ببیند. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ؛ و هر کس هم وزن ذره‌ای بدی کند، آن بدی را ببیند»^{۱۵}.
در این وزن کِشی سنگینی کفه ترازو است^{۱۶} که تکلیف را روشن می‌کند: «فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ * فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ * وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ * فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ * نَارُ حَامِيَةٍ»^{۱۷}؛ اما کسی که وزن اعمال خوبش سنگین است؛ پس او در یک زندگی خوش و پسندیده‌ای است * ولی کسی که وزن اعمالش کم و بی‌ارزش است * پس جایگاهش هاویه است * و تو چه می‌دانی هاویه چیست؟! * آتشی بسیار داغ و سوزان است».

پس انسان زندگی حقیقی‌اش را در جهان آخرت آغاز خواهد کرد. این وعده، نقد است، نه نسیه. زندگی دنیا هزینه است تا پس انداز آخرت به دست آید، پس چیزی هدر نمی‌رود، بلکه به فرمایش پیامبر اسلام (ص): «الدُّنْيَا مَرْعَى الْأَخِرَةِ»^{۱۸}.

توصیف معاد در قرآن

حال چه کسی می‌تواند چگونگی این زندگی توصیف کند؟ هیچکس، جز خدای خالق هر دو جهان؛ کسی که به آن جهان علم دارد، نه کسی که منکر قیامت است، یا تحریف‌گر معاد است و قرآن را تحریف شده می‌داند. خداوند در قرآن پاداش را نتیجه عمل نیک قرار داده، و عذاب را نتیجه عمل بد.

واژه عذاب

این واژه اسم مصدر و بر وزن «نکال» به معنی کیفر است. در قرآن صفات گوناگونی برای عذاب بیان شده، از قبیل: الیم (دردناک، مانند: شلاق زدن و آزار بدنی)؛ عظیم (عذاب پر سروصدا، مانند: مجازات در حضور جمعیت)؛ مهین (عذاب توهین آمیز، مانند: پاشیدن لجن بر لباس کسی و مانند آن)؛ شدید (عذابی که اثر عمیق دارد و تا مدتی باقی می‌ماند، مانند: زندان‌های بلندمدت و امثال آن) و ... که هر یک اشاره به شدت و سختی مجازات، حالات گنه‌کاران، نوع گناه و ... دارد^{۱۹}. البته هر یک از این عذاب‌ها متناسب با گناهان است. مثلاً، مجازات ظالمان به عنوان عذاب الیم آمده، زیرا متناسب با دردناک بودن ظلم نسبت به بندگان خدا است. گناهان توهین‌آمیز، شدید یا پر سروصدا نیز، کیفری همانند دارند.

معاد در قرآن

محتوای آیات پیرامون معاد را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد:

۱. تأکید بر اینکه نفی معاد برهانی نیست؛
۲. اشاره به پدیده‌های مشابه معاد، مانند: اصحاب کهف، رویش گیاهان و زنده شدن حیوانات برای رفع استبعاد^{۲۰}؛
۳. رد شبهات منکرین و تثبیت امکان وقوع معاد؛

^{۱۵}. زلزال، ۸-۷.

^{۱۶}. مسلماً اعمال انسان با وسیله خاصی سنجیده می‌شود، اما در اینکه وسیله سنجش و ترازوی اعمال چیست، دو نظر وجود دارد: برخی می‌گویند نهایت و کمال خود اعمال ملاک است، برخی دیگر اولیای خدا و عمل آنان ملاک را می‌دانند. بعضی روایات مؤید نظر دوم است (رک: الکافی، ج ۱، ص ۴۱۹؛ المناقب، ج ۲، ص ۱۵۱؛ تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۱۵).

^{۱۷}. قارعه، ۱۱-۶.

^{۱۸}. عوالی الثمالی، ج ۱، ص ۳۶۷.

^{۱۹}. مثال‌ها بر تفریب ذهن است.

^{۲۰}. کهف، ۳۱؛ روم، ۵۰؛ بقره، ۲۶۰.



۴. اشاره به معاد از راه اخبار مُخبر صادق؛

۵. برهان عقلی بر ضرورت معاد.

هر یک از این آیات خوراک روحی انسان است تا به اندازه ظرفیت معنوی خود، باور به معاد را در خود تقویت کند. اگرچه با خواندن و روخوانی ساده.

دعای پایانی:

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ!

اللهم اجعل عواقب امورنا خيراً!

اللهم عجل لوليک الفرج! اللهم احفظ قائدنا! اللهم اغفر لنا و لوالدینا و لمن وجب حقه علينا و لمن وصانا بالدعا! رب صل

على محمد و آل محمد!

